



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات  
رساله دوره‌ی دکتری رشته فلسفه تطبیقی

**عنوان:**

**بررسی تطبیقی نظریه مثل افلاطونی از دیدگاه ابن‌سینا، شیخ اشراق و  
ملاصدرا**

**استاد راهنما:**

**دکتر محمد ذبیحی**

**اساتید مشاور:**

**دکتر احمد عابدی**

**دکتر عسگر دیرباز**

**نگارنده:**

**محمود صیدی**

پاییز ۱۳۹۲

**Ministry of Sciences  
Qom University  
Faculty of Theology  
The Thesis Presented for the (P.H.D) of  
Master in Comparative Philosophy**

**Title:  
A comparative study of Platonic theory of Ideas in the view  
of Aviceana, Suhrawardi and Mulla Sadra**

**Supervisor:  
Dr. M. Zabihi**

**Advisors:  
Dr. A. Abedi  
Dr. A. Dirbaz**

**Written by:  
Mahmood Saidi**

**Autumn 2013**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره دکتری که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده‌اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمد ذبیحی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این رساله تقبل نموده‌اند؛ نهایت تشکر و سپاسگذاری را دارم.

از جناب آقای دکتر احمد عابدی و دکتر عسگر دیرباز به عنوان اساتید مشاور که با راهنمایی‌های خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند؛ کمال تشکر را دارم.



## چکیده

افلاطون بر آن بود که با تبیین نظریه مثل مبنای استوار و محکمی برای معارف بشری پایه‌ریزی کند و آنها را از ورطه‌ی شکاکیت، رهایی بخشد. ابن‌سینا قائل شدن به آن را ناشی از خلط اعتبارات ماهیت، عدم تشخیص معنای واحد، خلط میان بقاء فرد با بقاء نوع دانسته و با ارائه‌ی نحوه‌ی صدور عقول طولی و ختم آن‌ها به عقل فعال این نظریه را ابطال نموده است. از سوی دیگر شیخ اشراق تلاش کرده تا اثبات نماید ابن‌سینا در ابطال نظریه مثل، گرفتار مغالطه شده است؛ او براهین سه‌گانه‌ای در اثبات مثل اقامه نموده و با شهودات و اشراقات قواهر اعلون، نحوه‌ی صدور آن‌ها را از نور الانوار بیان نموده است. بعد از سهروردی، صدرالمتألهین به اثبات این نظریه پرداخته و سعی نموده تا در همه جوانب آن تحقیق نماید. مباحث مطرح شده از سوی ملاصدرا، در مورد نظریه مثل، به سه بخش کلی تقسیم می‌شوند: جایگاه این نظریه در حکمت متعالیه، اقامه براهین پنج‌گانه در اثبات ارباب انواع و پاسخ‌گویی از انتقادات به نظریه مثل. در فصل پایانی به بیان نقاط ضعف و قوت هر یک از دیدگاه‌های ابن‌سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا پرداخته شده و نحوه تأثیر‌پذیری ابن‌سینا از نظرات افلاطون و همچنین تأثیر‌پذیری شیخ اشراق و ملاصدرا از دیدگاه‌های افلاطون بیان گردیده است. رویکرد پژوهش حاضر به این مسأله تطبیقی است؛ از این رو سعی در تبیین تطبیقی دیدگاه‌های ابن‌سینا، فیلسوف، وجوه تأثیر‌گذاری و تأثیر‌پذیری آنان و نقاط قوت و ضعف نظریات هر یک گردیده است. نگارنده با توجه به مبانی فلسفی اشراق و متعالیه اثبات کرده است، علاوه بر عقول عرضی، ارباب انواع در عالم مثال نیز وجود دارند و علی‌رغم آنکه ملاصدرا کیفیت صدور مثل افلاطونی و عقول عرضی را از واجب الوجود تبیین ننموده است اما با این حال، در پایان دیدگاه او را در مورد مثل افلاطونی، به عنوان بهترین دیدگاه در این زمینه برگزیده است. از این رو اشکالات و انتقاداتی را که بر این نظریه شده است پاسخ گفته و آنگاه به واکاوی ریشه‌های افکار او در آثار سهروردی و افلاطون پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** افلاطون، مثل، ابن‌سینا، شیخ اشراق، ملاصدرا، عقول.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	موضوع تحقیق
۲	اهمیت موضوع
۳	اهداف تحقیق
۴	پرسش اصلی تحقیق
۴	سئوالات فرعی
۴	فرضیات تحقیق
۵	پیشینه تحقیق
۷	فصل اول: کلیات
۸	۱-۱. اصطلاحات
۸	۱-۱-۱. مثل و مثال
۱۰	۱-۱-۲. رب النوع
۱۱	۱-۱-۳. عقل فعّال
۱۳	۲-۱. جایگاه مثل در عوالم کلی وجود
۱۴	۱-۲-۱. عالم ماده
۱۵	۲-۲-۱. عالم مثال
۱۷	۳-۲-۱. عالم عقل
۲۰	۳-۱. نظریه مثل افلاطونی
۲۰	۱-۳-۱. انگیزه افلاطون در مطرح کردن نظریه مثل
۲۲	۲-۳-۱. تمثیل غار
۲۳	۳-۳-۱. دلایل اثبات مثل از دیدگاه افلاطون
۲۴	۴-۳-۱. ایده خوب
۲۵	۵-۳-۱. جایگاه عالم محسوس در نظریه مثل
۲۹	خلاصه مطالب فصل اول

- فصل دوم: دیدگاه ابن سینا در مورد مثل افلاطونی..... ۳۱
- ۱-۲. اعتبارات ماهیت ..... ۳۲
- ۲-۲. زیادت وجود بر ماهیت ..... ۳۴
- ۳-۲. اقسام واحد..... ۳۵
- ۴-۲. اشتباه افلاطون در قائل شدن به نظریه مثل ..... ۳۶
- ۵-۲. ابطال مثل تعلیمی ..... ۳۸
- ۶-۲. گزارش ملاصدرا از برهان ابن سینا..... ۴۲
- ۷-۲. ابطال نظریه مثل از جهت کیفیت صدور کثرات..... ۴۳
- ۱-۷-۲. قاعده الواحد ..... ۴۴
- ۲-۷-۲. نحوه صدور عقل فعال ..... ۴۵
- ۳-۷-۲. ملاحظاتی در مورد دیدگاه ابن سینا ..... ۴۶
- خلاصه فصل دوم ..... ۴۸
- فصل سوم: دیدگاه شیخ اشراق در مورد مثل افلاطونی ..... ۴۹
- ۱-۳. کیفیت صدور کثرات..... ۵۱
- ۱-۱-۳. جواز صدور بسیط از مرکب ..... ۵۱
- ۲-۱-۳. نور و ظلمت ..... ۵۳
- ۳-۱-۳. نحوه صدور مثل افلاطونی از نورالانوار..... ۵۴
- ۴-۱-۳. نکاتی چند در رابطه با تکوّن ارباب انواع ..... ۵۶
- ۲-۳. براهین اثبات مثل افلاطونی ..... ۵۷
- ۱-۲-۳. برهان اول از جهت عرض بودن قوای نباتی ..... ۵۷
- ۲-۲-۳. برهان دوم از جهت باطل بودن اتفاق..... ۶۲
- ۳-۲-۳. برهان سوم از جهت امکان اشرف ..... ۶۳
- ۳-۳. نقد دیدگاه ابن سینا ..... ۶۵
- ۱-۳-۳. مغالطه ابن سینا در انکار مثل افلاطونی..... ۶۶
- ۲-۳-۳. نقد دیدگاه ابن سینا در مورد کیفیت صدور کثرات..... ۶۸
- ۴-۳. دیدگاه شیخ اشراق در مورد نظریه مثل تعلیمی ..... ۶۹



- خلاصه فصل سوم..... ۷۱
- فصل چهارم: دیدگاه صدرالمتألهین در مورد مثل افلاطونی..... ۷۳
- ۱-۴. جایگاه مثل در حکمت صدرایی..... ۷۵
- ۱-۴-۱. وجود ذهنی..... ۷۵
- ۱-۴-۲. سایه بودن افراد مادی نسبت به ارباب انواع..... ۷۹
- ۱-۴-۳. صقع ربوبی بودن مثل افلاطونی..... ۸۱
- ۱-۴-۴. اتحاد عاقل و معقول در مثل افلاطونی..... ۸۲
- ۱-۴-۵. کلیات و مثل افلاطونی..... ۸۷
- ۱-۴-۶. صورت نوعیه و مثل افلاطونی..... ۸۸
- ۱-۴-۷. غایت افراد مادی بودن مثل..... ۹۲
- ۱-۴-۸. مثل افلاطونی و حدوث عالم..... ۹۴
- ۱-۴-۹. علم الهی بودن مثل افلاطونی..... ۹۵
- ۱-۴-۱۰. أسماء الهی بودن مثل..... ۹۶
- ۱-۴-۱۱. خیرات و مثل افلاطونی..... ۹۷
- ۱-۴-۱۲. حصول رب النوع انسانی در نفوس ناطقه..... ۹۸
- ۲-۴. براهین ملاصدرا در اثبات مثل افلاطونی..... ۱۰۰
- ۲-۴-۱. برهان اول از جهت حرکت جوهری..... ۱۰۰
- ۲-۴-۲. برهان دوم از جهت انواع ادراکات..... ۱۰۲
- ۲-۴-۳. برهان سوم از جهت کمالات انواع مادی..... ۱۰۴
- ۲-۴-۴. برهان چهارم از جهت افاضه معقولات..... ۱۰۵
- ۲-۴-۵. برهان پنجم از جهت علم، عالم و معلوم..... ۱۰۹
- ۳-۴-۱. نقد ملاصدرا به دیدگاه فارابی درباره مثل..... ۱۱۳
- ۳-۴-۲-۱. نقد ملاصدرا به دیدگاه ابن سینا درباره مثل..... ۱۱۵
- ۳-۴-۲-۲. نقد ملاصدرا به دیدگاه ابن سینا درباره مثل تعلیمی..... ۱۱۶
- ۳-۴-۳. نقد ملاصدرا به دیدگاه شیخ اشراق درباره مثل..... ۱۱۸
- ۳-۴-۱. جواز صدور بسیط از مرکب..... ۱۲۰

- ۱۲۱..... نور و ظلمت. ۲-۳-۳-۴
- ۱۲۲..... کیفیت صدور کثرات. ۳-۳-۳-۴
- ۱۲۳..... نقد برهان اول شیخ اشراق. ۴-۳-۳-۴
- ۱۲۶..... نقد برهان دوم شیخ اشراق. ۵-۳-۳-۴
- ۱۲۷..... نقد برهان سوم شیخ اشراق. ۶-۳-۳-۴
- ۱۳۰..... نظر نهایی صدرالمتألهین در مورد دیدگاه شیخ اشراق. ۷-۳-۳-۴
- ۱۳۲..... نقد ملاصدرا به دیدگاه میرداماد در مورد مثل. ۵-۳-۴
- ۱۳۳..... نقد ملاصدرا به دیدگاه محقق دوانی در مورد مثل. ۶-۳-۴
- ۱۳۴..... خلاصه فصل چهارم.....
- ۱۳۷..... فصل پنجم: نقد و بررسی.....
- ۱۳۸..... ۱-۵. بررسی و نقد دیدگاه ابن سینا.....
- ۱۳۹..... ۱-۱-۵. انکار نظریه مثل.....
- ۱۴۱..... ۲-۱-۵. عقل فعّال.....
- ۱۴۳..... ۳-۱-۵. نقد دیدگاه ابن سینا.....
- ۱۴۸..... ۲-۵. اثرگذاری افلاطون بر شیخ اشراق و ملاصدرا.....
- ۱۴۸..... ۱-۲-۵. قائل شدن به نظریه مثل.....
- ۱۵۰..... ۲-۲-۵. دلایل اثبات مثل افلاطونی.....
- ۱۵۳..... ۳-۲-۵. رابطه مثل با افراد محسوس.....
- ۱۵۷..... ۴-۲-۵. اشیاء دارای مثال.....
- ۱۵۹..... ۵-۲-۵. فیلسوف پادشاه.....
- ۱۶۰..... ۳-۵. نقد دیدگاه شیخ اشراق.....
- ۱۶۳..... ۴-۵. نقد علیّت عقول متکافئه نسبت به افراد مادی.....
- ۱۶۴..... ۱-۴-۵. علیّت مثل نسبت به افراد مادی از دیدگاه شیخ اشراق.....
- ۱۶۵..... ۲-۴-۵. علیّت مثل نسبت به افراد مادی از دیدگاه ملاصدرا.....
- ۱۶۶..... ۳-۴-۵. بررسی براهین امتناع علیّت جسمی نسبت به جسم دیگر.....
- ۱۶۹..... ۴-۴-۵. نقد براهین علیّت مثل نسبت به افراد مادی.....

۱۷۰.....	۵-۴-۵. سنخیت علّت و معلول.....
۱۷۱.....	۶-۴-۵. اثبات علّیت عالم مثال از جهت علوم حسی و خیالی.....
۱۷۱.....	۷-۴-۵. اثبات علّیت عالم مثال با توجه به امتناع طفره.....
۱۷۳.....	۵-۵. بررسی دیدگاه ملاصدرا.....
۱۷۷.....	۱-۵-۵. سفرهای چهارگانه حکمت متعالیه.....
۱۷۹.....	۱-۵-۵. علم و شناخت نسبت به مثل.....
۱۸۲.....	۶-۵. نقد دیدگاه علامه طباطبایی.....
۱۸۹.....	۷-۵. نقد دیدگاه شهید صدر.....
۱۹۱.....	خلاصه فصل پنجم.....
۱۹۳.....	نتیجه گیری.....
۱۹۶.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۹۸.....	منابع انگلیسی.....
۱۹۹.....	چکیده انگلیسی.....

## مقدمه

## موضوع تحقیق

موضوع پژوهش حاضر بررسی تطبیقی نظریه مثل افلاطونی از دیدگاه ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا است. یکی از اساسی ترین و مهمترین آراء مکتب فلسفه افلاطون، نظریه مثل افلاطونی یا ارباب انواع است. افلاطون قائل به یک سلسله حقایق ماورائی است که آنها را در زبان قدیم یونانی «ایده» می گفتند و خودش هم آنها را ایده نامیده است. لغت ایده یک لغت قدیمی یونانی است که در زبان عربی به «مثال» ترجمه شده است و جمع آن «مُثل» است. از دیدگاه افلاطون، آنچه که در عالم ماده مشاهده می شود، سایه هایی از یک سلسله امور جاوید اند که گرفتار فناء و زوال نمی شوند. افلاطون به این شکل عالم را به دو قسمت عمده طبقه بندی می کند: دنیای محسوسات و ظواهر که به وسیله حواس ادراک می شود و عالم ایده ها و مثل که راه یافتن به آن بدون استفاده از عقل ممکن نیست. ابن سینا نه تنها با نظر افلاطون موافق نیست بلکه آن را نادرست و ناپخته بر می شمارد؛ از نظر او منشأ نظریه مثل، افکار ناپخته ای است که در دورانی که هنوز حکمت نضج نگرفته بود؛ پدیدار شده اند. در مقابل ابن سینا، سهروردی قائل است که مقصود افلاطون از نظریه مثل، عقول و انواری هستند که در آخرین مرتبه عقول قرار دارند و پائین تر از آنها عقلی وجود ندارد. از این رو قائل است که عقول عرضی علت بی واسطه افراد و اصنام مادی هستند. او تلاش کرده، نشان دهد خود ابن سینا، در انکار نظریه مثل افلاطونی، گرفتار مغالطه شده است. صدرالمُتألهین نیز مانند شیخ اشراق مثل افلاطونی را آخرین عقول سلسله طولی می داند که در عرض هم قرار دارند؛ نسبت به یکدیگر علیتی ندارند و علت افراد و اصنام مادی مادون خود هستند. از نظر این دو فیلسوف تدبیر هر یک از انواع عالم ماده، مستند به عقلی جداگانه است؛ به خلاف ابن سینا که همه ی انواع مادی را معلول عقل فعّال می داند.

## اهمیت موضوع

افلاطون در قائل شدن به نظریه مثل بسیار استوار است و طی فعالیت علمی خویش، همواره از آن دفاع کرده و سعی نموده است که از جنبه های مختلف به بحث و بررسی آن پردازد

و اشکالات مطرح شده یا قابل طرح در این زمینه را پاسخ گوید. افلاطون سعی دارد که با بیان و اثبات نظریه مثل تحلیل دقیق و صحیحی از مسأله شناخت و مراتب متفاوت هستی ارائه نماید و از شکوک و شبهات سوفسطاییان پاسخ گوید. او شناخت حقیقی را به مشاهده مثل می داند و فیلسوف حقیقی از دیدگاه او کسی است که به مشاهده مثل نائل آمده باشد. آراء افلاطون طی نهضت ترجمه به عربی ترجمه شد. از جمله آرائی که با مخالفت و موافقت زیادی در بین حکماء اسلامی رو به رو شد، همین نظریه است. این دیدگاه از همان آغاز تا کنون مورد بحث و نقادی بسیار بوده است به گونه‌ای که از فارابی تا علامه طباطبایی، همه حکماء بزرگ اسلامی در مورد آن به تبادل نظر و ارائه دیدگاه پرداخته اند. ابن سینا در ابطال آن اصرار دارد؛ از سوی دیگر شیخ اشراق و ملاصدرا اهتمام به اثبات آن داشته و در این مورد بسیار پافشاری نموده‌اند. اهمیت این نظریه برای ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا در این است که جایگاه مراتب متفاوت هستی و نحوه صدور موجودات کثیر از واحد حقیقی را تبیین نمایند. به بیان دیگر از دیدگاه ابن سینا، در سلسله طولی موجودات، تنها یک موجود عقلی به نام عقل فعال، علت تمامی انواع مادی است. از نظر او، افاضه علوم و معقولات بشری توسط عقل فعال انجام می‌شود. ولی از دیدگاه شیخ اشراق و ملاصدرا، عقول عرضی هر یک، علت افراد مادی یک نوع هستند. از این رو، هر یک از انواع مادی، فردی مجرد در عالم اله دارد که افاضه علوم و معقولات بشری توسط رب النوع انسانی است. بدون تردید بررسی تطبیقی دیدگاه‌های این سه فیلسوف در این زمینه و تحلیل ریشه‌ها، تأثیر پذیری و تأثیر گذاری افکار هر یک از آنان، دارای اهمیت بسیار می‌باشد و نشان دهنده‌ی نحوه تأثیر پذیری افکار هر یک از فیلسوفان از دیگری است.

### اهداف تحقیق

سیر تطوری نظریه مثل از آغاز تا کنون نشان دهنده‌ی اهمیت این نظریه از سوی فیلسوفان بزرگ است. چنانچه به زودی در پیشینه تحقیق می‌آید، هر چند درباره مثل افلاطونی کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است لکن از آنجا که اثبات و انکار مثل افلاطونی در پاره‌ای از مسایل

فلسفی تأثیرگذار است، هدف پژوهش حاضر افزون بر ارائه ی گزارش و تحلیلی از دیدگاه سه فیلسوف بزرگ جهان اسلام، سنجش دیدگاه ها و آراء مطرح شده در این زمینه و نیز برگزیدن یک نظریه ی استوار و مستدل می باشد که در قالب تبیین دیدگاه مورد نظر بیان می گردد.

### **پرسش اصلی تحقیق**

۱. وجوه اشتراک و اختلاف دیدگاههای ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا در مورد نظریه

مثل چیست؟

### **سؤالات فرعی**

۲. مبانی ابن سینا در انکار و ابطال نظریه مثل افلاطونی چیست؟

۳. مبانی شیخ اشراق و ملاصدرا در اثبات نظریه مثل افلاطونی چیست؟

### **فرضیات تحقیق**

۱. اشتراک دیدگاه ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا در سلسله علی و معلولی عالم امکان

این است که هر سه قائل اند: آخرین مرتبهء عالم عقل، علت انواع مادی است. اختلاف دیدگاههای آنان در این است که ابن سینا عقل فعال را علت تمامی انواع مادی و شیخ اشراق و ملاصدرا هر یک از انواع مادی را معلول عقول عرضی می دانند. اشتراک دیدگاههای شیخ اشراق و ملاصدرا در این است که هر دو قائل به عقول عرضی و ارباب انواع هستند. اختلاف دیدگاههای شیخ اشراق و ملاصدرا در این است که شیخ اشراق ارباب انواع را نورانی و افراد مادی را ظلمانی می داند ولی از دیدگاه ملاصدرا ارباب انواع وجودات شدید و افراد مادی مراتب ضعیف آن هستند.

۲. مبانی ابن سینا در انکار نظریه مثل منحصر بودن نوع عقول در فرد و منتهی شدن سلسله

عقول طولی به عقل فعال است.

۳. مبانی شیخ اشراق در اثبات نظریه مثل افلاطونی تقسیم اشیاء به نور و ظلمت، صدور بسیط از مرکب و شهودات و اشراقات انوار قاهره است. مبانی ملاصدرا در اثبات این نظریه اصالت وجود، حرکت جوهری و تشکیک وجود است.

### پیشینه تحقیق

بعد از ارائه نظریه مثل از سوی افلاطون که برای حل مسئله ی شناخت مطرح شده بود، طولی نکشید که این نظریه از سوی ارسطو با انتقادات بسیار جدی مواجه شد. مدعی افلاطون نه تنها نتوانست به حل به مسئله پردازد، بلکه خود نیز مسائل و مشکلات جدیدی را موجب گردید. این نظریه در جهان اسلام نیز بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ابن سینا در الهیات شفاء، شیخ اشراق در حکمة الاشراق و ملاصدرا در اسفار و الشواهد الربوبية به بحث پیرامون این نظریه و بیان دیدگاههای خویش پرداخته اند. فیلسوفانی که در آثار خود به بررسی دیدگاههای این سه فیلسوف پرداخته اند عبارت اند از:

۱. مرحوم حاج ملاهادی سبزواری در کتب خویش به خصوص تعلیقات اسفار و حواشی الشواهد الربوبية. تحقیقات سبزواری در مورد این نظریه، بیشتر متأثر از ملاصدرا بوده و در بعضی موارد هم دیدگاه و نظریه جدیدی ارائه می کند.

۲. علامه طباطبایی در نهایه الحکمه، بدایه الحکمه و تعلیقات اسفار. علامه در این سه کتاب نظریه مثل را با انتقادات و اشکالات جدی مواجه نموده است. از این رو رویکرد علامه طباطبایی به نظریه مثل، انتقادی است.

۳. استاد سید جلال الدین آشتیانی در کتب خویش مثل شرح زاد المسافر ملاصدرا، تعلیقات الشواهد الربوبية، رساله عالم مثال. استاد آشتیانی در این کتاب ها به توضیح و تحلیل دیدگاه شیخ اشراق و ملاصدرا در مورد نظریه مثل پرداخته است. از این رو آثار استاد آشتیانی توضیح این نظریه با توجه به مبانی حکمت اشراق و متعالیه است.



۴. آیت‌الله جوادی آملی در درس‌های اسفار به نام رحیق مختوم، سعی کرده‌اند که به تحلیل همه جانبه این نظریه پردازند. از این رو این کتاب توضیح این نظریه با توجه به متن اسفار و در پاره ای موارد، تحلیل و توضیح بیشتر مبانی صدرایی است.

۵. آیت‌الله حسن زاده آملی نیز در دو رساله مثل و مثال به بیان و تقریر نظریه مثل پرداخته

اند.

این گونه آثار در فلسفه اسلامی گرچه به خوبی به تحلیل و بررسی پرداخته اند لکن چنانچه اشاره شد در هیچ یک از این آثار، بررسی تطبیقی انجام نگرفته است. چگونگی تأثیر پذیری مبانی ابن سینا از ارسطو، شیخ اشراق و ملاصدرا از افلاطون و تطبیق و تحلیل دیدگاههای یاد شده از ویژگی‌هایی است که در آثار نام برده مغفول مانده است.

## فصل اول: کلیات

در فصل نخست، کلیاتی در مورد نظریه مثل ارائه می شود؛ چه اینکه، تبیین این کلیات پیش از پرداختن به دیدگاه‌های ابن سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا ضروری است. از این رو به بیان اصطلاحات مثل و مثال و فرق این دو، رب النوع و عقل فعال پرداخته می شود؛ سپس، جایگاه مثل و ارباب انواع در مراتب متفاوت وجودی، تبیین می گردد. در این قسمت بیان خواهد شد که نظام وجود، به سه عالم کلی تقسیم می شود: عالم ماده، مثال و عقل. جایگاه ارباب انواع در آخرین مرتبه ی عقول و انوار است. از این رو با مثل معلقه که واسطه ی میان عالم ماده و عقل اند، فرق دارند. عالم ماده در آخرین مرتبه ی عوالم کلی هستی قرار دارد. پرداختن اجمالی به این عالم از این جهت دارای اهمیت است که تدبیر تمامی انواع مادی از دیدگاه ابن سینا توسط عقل فعال صورت می گیرد و از دیدگاه شیخ اشراق و ملاصدرا، تدبیر و افاضه وجودی به هر یک از افراد هر نوعی، توسط رب آن نوع است. در پایان فصل، از آن جهت که پژوهش حاضر پیرامون نظریه مثل افلاطونی از دیدگاه سه فیلسوف بزرگ جهان اسلام است، لازم دیده شد که توضیحی مختصر از دیدگاه‌های افلاطون در مورد مثل، ارائه گردد.

## ۱-۱. اصطلاحات

در این بخش به توضیح مختصر اصطلاحات مثل، مثال و فرق این دو، همچنین رب النوع و عقل فعال پرداخته شده است.

### ۱-۱-۱. مثل و مثال

«لفظ مثل در کتاب‌های فلسفی مقرون به افلاطون است، به گونه‌ای که اطلاق یکی، دیگری را به ذهن تداعی می کند؛ مانند حاتم و سخاوت. شکی نیست که نظریه مثل، رکن رکین فلسفه

افلاطون بوده و بسیاری از نظریات افلاطون در باب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، اخلاق و... مبتنی بر این نظریه است.<sup>۱</sup>

«صور نوریه مثل نامیده شده اند. زیرا که مثال اخفی از ممثل است. مثل افلاطونی نسبت به انسان نیز اخفی از صور هیولاتی هستند. ولی اگر این گونه نظر شود که مثال ضعیف تر از ممثل است، مانند مثال های انواع جوهری که در ذهن حاصل می شوند؛ مثال های ذهنی ضعیف تر از انواع خارجی هستند. زیرا که انواع خارجی، قائم بالذات هستند ولی مثال آنها قائم به ذهن؛ در این صورت اشیاء مادی مثال هایی از مثل نوری خواهند بود، همان گونه که صورت ها و مثال های ذهنی، امثال اشیاء خارجی هستند. این وجه نسبت به نفس الامر و واقع است ولی وجه اول نسبت به ماست. لذا این وجه اولی و بهتر است.»<sup>۲</sup>

مثل دو وجه تسمیه دارد: گاهی نسبت به ادراک انسان ها است که اشیاء و صور مادی انس بیشتری با ذهن انسان داشته و مثال هایی از فرد مجرد اند. دیگر اینکه اشیاء مادی مثال ها و نمونه هایی از فرد معقول و نوری هستند. از دیدگاه شارح حکمه الاشراق این وجه بهتر است. زیرا که بیان واقع و نفس الامر بوده و نشان دهنده جایگاه مثل و افراد محسوس آن است.

«وجه تسمیه صور مجرد به مثل، یکی آن است که مثل برای مافوق خود که اسماء حسناى الهی اند، مثال و نمونه و الگو می باشند، دوم آنکه مثل برای مادون خود امثال باشند. زیرا که از هر نوعی، فرد عقلانی و طبیعی آن نوع در ماهیت و لوازم آن مشترک اند و یا با مافوق خود نیز اشتراک دارند که همان صور اسماء الهی باشند؛ مثل انسان لاهوتی، فرس لاهوتی و...»<sup>۳</sup>

از این رو مثل به اتحاد در ماهیت گفته می شود. مثلاً دو فرد از یک ماهیت نوعیه بوده و در ماهیت نوعیه اشتراک دارند. ولی مثال به صرف مناسبت بین دو شیء اطلاق می شود.

---

۱. محمد تقی مصباح یزدی، تعلیقه علی النهایه، چاپ اول، (قم: موسسه در راه حق، ۱۴۰۵)، ص ۴۸۰.

۲. قطب الدین شیرازی، شرح حکمة الاشراق، (سید محمد موسوی)، چاپ اول، (تهران: حکمت، ۱۳۸۹)، ج ۱، ص ۴۵۹.

۳. ملاهادی سبزواری، تعلیقات شواهد الربوبیه، (سید جلال آشتیانی)، چاپ سوم، (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲)، ص ۶۰۶.